



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الإنسان الإسلامية في إيران



تحليل يك حقوقدان بين المللی در خصوص امکان سنجی تلقی تحریم های اقتصادی ایالات
متحدہ علیہ ایران بہ مثابہ اقدام جنگی

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

پیرو تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ که دومین تجاوز به کشورمان در طول یکسال بود، واکنش های مختلفی در سطح جهانی شکل گرفت. توده مردم در کشورهای مختلف پیشگام واکنش ها بودند که به شکل های گوناگون جنایت تجاوز به ایران را محکوم و با قربانیان مظلوم و بیگناه ابراز همدردی نمودند. در میان دولتها و سازمان ها و شخصیت های بین المللی نیز برخی واکنش های قابل قبول ارائه شد. در نقطه مقابل نیز متأسفانه بعضی دولتها، نهادها یا افراد مواضع منفی یا خنثی و بی خاصیت داشتند. در میان نخبگان علمی به ویژه حقوق دانان و متخصصان حوزه روابط بین الملل، علوم سیاسی و اقتصاد مطالب متنوعی در خصوص این تجاوز و پیامدهای آن و راهکارهای مواجهه با آن مطرح گردید.

نظر به اهمیت اطلاع از مواضع مزبور و اینکه اغلب در رسانه های داخلی یا مراکز فکری ایران، نوشته های اساتید علوم سیاسی و روابط بین الملل یا بعضی اقتصاددانان جهانی بازتاب داشته و مطالب فنی حقوقی از توجهات عمومی کنار مانده است، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دید که تحلیل ها و موضع گیریهای فنی حقوقی را مورد توجه قرار دهد. بر همین اساس، تلاش شد تا ضمن شناسایی نسبتاً گسترده ای از آثار منتشره در سطح کشورهای مختلف در خصوص تجاوز به ایران از منظر حقوقی و حتی الهیاتی و اخلاقی، موارد در خور توجه به فارسی برگردان و با توضیحات لازم بنحو شایسته در اختیار مخاطبان فارسی زبان و جامعه علمی و متولیان امور کشور قرار گیرد.

گزارش حاضر یکی دیگر از مجموعه آثاری است که کمیسیون از اسفند ماه ۱۴۰۴ تا کنون آماده کرده است. مقاله منعکس شده در این گزارش به تازگی منتشر شده و نویسنده تلاش کرده تا به بهانه یک خبر منتشره در رسانه های جهانی به نقل از دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، به بررسی این پرسش پردازد که آیا از منظر حقوق بین الملل اقدام به تحریم اقتصادی بدون بکارگیری زور به عنوان اقدام جنگی محسوب می شود یا خیر تا دولت تحت تحریم بتواند در مقام دفاع مشروع علیه هر دولتی که در فرایند تحریم اقتصادی مشارکت کرده به استناد ماده ۵۱ منشور ملل متحد اقدام نظامی معمول دارد؟ نویسنده با توضیحات مختلف به این پاسخ رسیده که برابر حقوق بین الملل موجود، صرف مشارکت کشورها در تحریم های اقتصادی یکجانبه مشمول اقدام جنگی که حق پاسخ نظامی در مقام دفاع مشروع را در پی داشته باشد، نمی شود اما خود تصریح کرده که « این امر بدان معنا نیست که تحریم های یکجانبه ممکن است تعهدات معاهده ای را نقض کنند، از صلاحیت مجاز تجاوز کنند، مداخله ممنوعه محسوب شوند یا الزامات حاکم بر اقدامات متقابل را برآورده نکنند. مشارکت دولت ثالث همچنین می تواند سوالات مستقلی در مورد

مسئولیت ایجاد کند، به ویژه در مواردی که دولت دیگری محدودیت‌های خود را اتخاذ می‌کند یا آگاهانه به رفتاری کمک می‌کند که خود از نظر بین‌المللی غیرقانونی است.» وی هم چنین در دو خط آخر نوشتار خود تصریح کرده که «مطالب علمی متعددی در سطح جهانی از سوی حقوق دانان ارائه می‌شود که تلاش دارند اجبار اقتصادی به شدت مخرب را بیشتر شبیه زور [اقدام نظامی] در نظر بگیرند و [پیامدهای مربوط به حق دفاع مشروع یا مسئولیت کیفری بین‌المللی عاملان فشار اقتصادی را مطرح سازند]، این نوشته‌ها اگرچه قابل توجه هستند، اما [هنوز نتوانسته‌اند] تمایز مورد بحث در این نوشتار را در حقوق بین‌الملل فعلی از بین ببرند.»

نویسنده در انتهای نوشتار خود به نکته دیگری هم تصریح کرده و آن اینکه بسیاری از فعل و انفعالاتی که هم اینک در عرصه دریا میان ایران و آمریکا و طرف‌های ثالث جریان دارد نیازمند بررسی حقوقی از منظر حقوق دریاهای و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که این نوشتار از این زوایا وارد بررسی نشده است.

اتفاقاً همین نکته اخیر مورد اشاره، یکی از جهات قابل توجه در ارزیابی این نوشتار است چرا که اگر صورت مسئله به خوبی تبیین نشود کل بررسی‌های حقوقی و نتایج حاصله ممکن است واقعیت‌های (Facts) محل نزاع را مغفل بگذارد و از امکان تحلیل حقوقی منصفانه بدور بماند. آنچه ایران هم اینک با آن مواجه است و موضوع تذکر دبیر شورای عالی امنیت ملی واقع شد، فراتر از تحریم‌های اقتصادی یکجانبه و نامشروعی که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و سایر دول همراه ایشان سالهاست علیه ایران اعمال می‌کنند، موضوع محاصره دریایی به عنوان یک راهبرد نظامی برای غلبه بر توان دفاعی ایران و صدمه زدن به اقتصاد کشور و سلب حقوق بیش از ۸۰ میلیون شهروند ایران و سایر اتباع مقیم کشورمان است. دولت آمریکا در این محاصره به کشتی‌های تجاری از مبدا ایران یا مقصد ایران حمله مسلحانه می‌کند و به زور مانع حرکت آنها می‌شود و بعضی را از کار انداخته یا خدمه کشتی را به قتل رسانده یا مصدوم ساخته است، هم چنین در تلاش است تا با زور راهی غیرقانونی در جنوب تنگه هرمز باز کند تا ضمن انتقال ادوات جنگی مورد نیاز به پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای ادامه تهدیدات فعال علیه ایران، فشار اقتصادی تحمیلی بر خود را بدون رعایت حقوق ملت ایران بردارد و هر گاه تمایل داشت نسبت به تجدید بمباران‌ها و کشتار مردم بی‌گناه ایران اقدام ورزد. در چنین شرایطی، دبیر شورای عالی امنیت ملی تذکر علنی داد که هر کشوری که در این غائله با متجاوزان همراهی کند خود را درگیر این جنگ کرده و با او همانند متجاوز اصلی برخورد خواهد شد. بررسی این هشدار نیازمند استنادات حقوقی خاص خود و تحلیل‌های مرتبط با آن می‌باشد. از این منظر، علیرغم تلاش علمی در خور توجه نویسنده این مقاله برای طرح مباحث حقوقی مرتبط با هشدار دبیر شورای امنیت ملی ایران، برخی ظرائف دقیق صورت مسئله نزاع به خوبی واکاوی نشده تا

تحلیل حقوقی متناسب نیز ارائه گردد، گویی تحریم های اقتصادی یکجانبه ای که از قبل وجود داشته ارزیابی شده که آیا می تواند اقدام جنگی محسوب شود و بر این اساس، هر دولتی با آمریکا همراهی کرد با پاسخ نظامی ایران مواجه گردد یا خیر؟ مثلاً اینکه دولت آمریکا از کشورهای دیگر بخواهد که پرواز هواپیماهای مسافربری ایران به کشورتان را قطع کنند، حال اگر دولتی همراهی کرد و موازین بین المللی ذیربط در خصوص هواپیمایی کشوری را نادیده گرفت، آیا رفتار آن کشور نوعی اقدام نظامی علیه ایران محسوب می شود که ایران به آن کشور بتواند پاسخ نظامی بدهد یا خیر؟ اصلاً ایران در خصوص فرض مذکور ادعای اقدام نظامی را مطرح نکرده بلکه بر عکس بارها تاکید نموده که هر دولتی در این قبیل اقدامات غیر قانونی با آمریکا یا اروپا همراهی کرد ضمن اینکه خود را تحقیر کرده و به روابط خویش با ایران صدمه می زند با انواع ابزارها و ظرفیت واکنش های غیر نظامی ایران تلاش خواهد شد تا حقوق بین الملل را مراعات و مرتکب نقض موازین بین المللی نشود. فلذا نیاز به کاربرد زور نیست، اگرچه مسئولیت بین المللی دولت متخلف سر جای خود باقی است و نزد مراجع ذیصلاح قضایی یا حقوق بشری باید پاسخگو باشد.

با توضیحات انتقادی فوق الذکر، شاید این پرسش مطرح شود که پس ترجمه و ارائه این مقاله چرا انجام پذیرفت؟ پاسخ آن روشن است. متولیان امور در کشور و دست اندرکاران مباحث تخصصی ذیربط و حتی عموم مردم باید این قبیل اندیشه ورزی های تخصصی حقوقی را ببینند و سبک استدلال و مباحث فنی حقوقی دخیل در موضوع تجاوز به ایران و چالش های پیش رو را ملاحظه نمایند. پیشبرد حقوق و منافع ملی در عرصه جهانی کار ساده ای نیست بلکه با پیچیدگی های زیاد و موانع و مشکلات متعددی همراه است. طبیعتاً دست اندکاران امور کشور لازم است در کنار بهره مندی از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و غیره، ضمن اشراف بر چارچوب های حقوقی و ظرافت های استدلالی متنوع، بهترین روش ها و مستندات را برای دفاع از حقوق ملی ایران بکار گیرند.

سخن پایانی آنکه، در این متن بعضاً توضیحات کوتاهی در زیر نویس صفحات درج شد تا فهم نوشتار برای مخاطب راحت تر فراهم شود، هم چنین معادل انگلیسی برخی کلمات در زیر نویس قید گردید تا محققان بهتر دریابند که عبارت فارسی بکار رفته معادل چه واژه انگلیسی در متن اصلی بوده است. در متن نوشتار بعضاً کلماتی داخل براکت [] نیز افزوده شد تا جملات ذیربط روان تر گردند. مقاله هیچ ارجاع زیر متنی نداشت، تنها فهرستی از منابع مورد رجوع نویسنده در انتها قید شده بود که عیناً حفظ گردید. نقد و بررسی جزئیات دیدگاههای مطروحه در این قبیل نوشتارهای حقوقی خارجی مجال مستقل دیگری می طلبد که احتمالاً اهل فن بدان اهتمام خواهند ورزید.

امید آنکه همه کمک دهیم تا از حقوق ملی و انسانی خویش با تمام وجود دفاع کرده و هوشمندانه و عالمانه و شجاعانه زمینه پایان دهی به بی کیفرمانی متجاوزان و جنایتکاران و پاسخگو کردن آنها و اجرای عدالت را فراهم سازیم و بدین ترتیب صلح و ثبات و آرامش همه مردم ایران، منطقه غرب آسیا و عموم ملت‌های جهان را تامین و تقویت نمائیم

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

شهریور ۱۴۰۵



◆ نویسنده: ادمار ورسون آ. سانتوس، پژوهشگر حقوق بین الملل و مؤسس سامانه تخصصی دیپلماسی و حقوق با تمرکز بر مباحث حقوق بین الملل

◆ ترجمه انگلیسی به فارسی و توضیحات افزوده: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، شهریورماه ۱۴۰۵

◆ مآخذ: سامانه تخصصی دیپلماسی و حقوق (diplomacyandlaw.com)، سپتامبر ۲۰۲۶

◆ شناسه متن: ۰۵/۲/۲۱۸

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

آیا تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران می‌تواند طبق حقوق بین‌الملل «اقدام جنگی» محسوب شود؟

ادمار ورسون آ. سانتوس^۱؛ پژوهشگر حقوق بین‌الملل و موسس سامانه اینترنتی تخصصی در حوزه حقوق بین‌الملل

مقدمه

در ۲۳ اوت ۲۰۲۶، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران هشدار داد که کشورهایی که در کارزار اقتصادی در حال گسترش ایالات متحده علیه ایران مشارکت یا از آن حمایت کنند، ممکن است مرتکب «اقدام جنگی»^۲ [علیه ایران] تلقی شوند (رویترز، ۲۰۲۶). ادعای «اقدام جنگی» بودن تحریم‌های ایران، پرسش حقوقی دقیق‌تری را نسبت به آنچه از ادبیات سیاسی برمی‌آید، مطرح می‌کند: آیا تحریم‌های اقتصادی غیرمتکی بر زور می‌توانند مصداق «استفاده از زور» یا «حمله مسلحانه» در حقوق بین‌الملل باشند و آیا می‌توانند مبنایی حقوقی برای اقدام نظامی ایران فراهم کنند؟ «اقدام جنگی» مقوله حقوقی حاکم بر منشور سازمان ملل متحد نیست. ماده ۲ (بند ۴) منشور، تهدید به استفاده از زور یا توسل به آن را در روابط بین‌الملل ممنوع می‌کند، در حالی که ماده ۵۱ حق ذاتی دفاع مشروع در صورت وقوع حمله مسلحانه را محفوظ می‌دارد (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). یک اقدام اقتصادی ممکن است ماهیت قهری^۳ داشته باشد، موجب خسارت اقتصادی شود یا از نظر بین‌المللی غیرقانونی^۴ (خلاف تعهدات بین‌المللی) باشد، بدون آنکه لزوماً مصداق استفاده از زور^۵ یا حمله مسلحانه^۵ تلقی گردد.

^۱. Edmarverson A. Santos

نویسنده نوشتار حاضر، بعد از جنگ ۱۲ روزه در تابستان ۱۴۰۴ دو نوشتار مفصل یکی پس از تجاوز اسرائیل به ایران و دیگری پس از اقدام آمریکا در بمباران برخی از مراکز هسته‌ای ایران نگاشته، هم چنین بعد از وقایع دیماه ۱۴۰۴ نوشتاری در انتقاد از نظام ایران با محوریت موضوع حقوق بشر و لزوم پاسخگویی منتشر کرده و بعد از جنگ رمضان نیز مقاله‌ای در خصوص تجاوز علیه ایران منتشر و توجیهات حقوقی تجاوز نظامی علیه ایران را رد نموده است. امور پژوهشی کمیسیون برخی از نوشتارهای مورد اشاره را به فارسی ترجمه کرده است.

^۲. Coercive

^۳. Internationally wrongful

^۴. Use of force

^۵. Armed attack

این پرسش در بستر غیرمعمول یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی جاری میان ایالات متحده و ایران در سال ۲۰۲۶ مطرح می‌شود. عملیات نظامی ایالات متحده و محاصره دریایی کشتی‌های ایرانی باید از نظر حقوقی متمایز از اقداماتی نظیر مسدودسازی دارایی‌ها، محدودیت‌های بانکی، ممنوعیت‌های تجاری و تحریم‌های ثانویه در نظر گرفته شوند (رویترز، ۲۰۲۶). فقط به این دلیل که خصومت‌های مسلحانه^۶، از پیش برقرار بوده‌اند، هر اقدام اقتصادی اتخاذشده در جریان مخاصمه را به حمله مسلحانه تبدیل نمی‌کند.

تفسیر رایج از منشور سازمان ملل، عموماً تحریم‌های اقتصادی غیرمتمکی بر زور^۷ را در زمره «زور مسلحانه»^۸ طبقه‌بندی نمی‌کند و حقوق بین‌الملل تثبیت‌شده نیز مبنای روشنی برای تلقی تحریم‌های متعارف -به‌تنهایی- به عنوان حمله مسلحانه‌ای که بتواند موجب فعال شدن ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] شود، ارائه نمی‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری همواره میان «مداخله ممنوع»^۹، «استفاده از زور» و «حمله مسلحانه» تمایز قائل شده و از یکسان‌نگاری حقوقی تمام اشکال اعمال فشار (اجبار) پرهیز کرده است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۶). این تمایز، پرسش دیگری را باز می‌گذارد: تحریم‌های خاص ممکن است همچنان ناقض سایر تعهدات بین‌المللی باشند.

این تخلفات احتمالی به حوزه‌های مختلف حقوقی تعلق دارند. تحریم‌ها ممکن است مسائلی را تحت ممنوعیت عرفی مداخله، قواعد حاکم بر صلاحیت قضایی، تعهدات معاهداتی یا [موازنین مربوط به] حقوق ناظر به مسئولیت دولت مطرح کنند. تحریم‌های ثانویه می‌توانند اختلافات بیشتری ایجاد کنند که در آن بانک‌ها، شرکت‌ها یا دولت‌های خارجی تحت فشار قرار می‌گیرند تا معاملات قانونی با ایران را محدود کنند. هیچ یک از این اشکال تخلف احتمالی به طور خودکار حمله مسلحانه را اثبات نمی‌کند.

هشدار به کشورهای ثالث دشوارترین روند رسیدگی به ادعا را نشان می‌دهد. دولتی که به طور مستقل محدودیت‌هایی را علیه ایران وضع می‌کند، دولتی که به دولت دیگری در اجرای اقدامات غیرقانونی کمک می‌کند و یک شرکت خصوصی که به دلایل تجاری از تجارت با ایران خارج می‌شود، جایگاه حقوقی یکسانی ندارند. مسئولیت بین‌المللی، مشارکت در یک درگیری مسلحانه و حق احتمالی ایران برای استفاده از زور در دفاع از خود، هر کدام باید تحت قواعد حقوقی جداگانه‌ای ارزیابی شوند.

^۶. Armed hostilities

^۷. Non-forcible economic sanctions

^۸. Armed force

^۹. Prohibited intervention

۱. تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و ادعای «اقدام به جنگ»^{۱۰}

هشدار اوت ۲۰۲۶ [مطرح شده در آغاز این نوشتار] مبنی بر اینکه مشارکت در کارزار اقتصادی ایالات متحده می‌تواند به عنوان «اقدام به جنگ» تلقی شود، از زبانی با بار سیاسی قابل توجه استفاده می‌کند، اما این عبارت یک دسته بندی حقوقی مستقل را تحت منشور سازمان ملل متحد ایجاد نمی‌کند. حقوق بین‌الملل معاصر سوالات خاص تری می‌پرسد: آیا یک دولت تهدید به زور کرده یا از زور استفاده کرده است، آیا حمله مسلحانه‌ای رخ داده است، آیا عملی تجاوزکارانه مرتکب شده است، یا آیا رفتاری باعث اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی شده است؟ توصیف یک دولت از فشار اقتصادی به عنوان جنگ نمی‌تواند به خودی خود به این سوالات پاسخ دهد.

این موضع نشان دهنده حرکت به سمت فاصله گرفتن از اهمیت حقوقی قدیمی تر مرتبط با جنگ رسماً اعلام شده^{۱۱} است. ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ نه تنها در مورد جنگ اعلام شده، بلکه در مورد هر درگیری مسلحانه دیگری که بین طرف‌های متعاقد رخ می‌دهد، حتی در مواردی که یک طرف وجود وضعیت جنگ را به رسمیت نمی‌شناسد، اعمال می‌شود. بر این اساس، حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر، وجود یک درگیری مسلحانه بین‌المللی را بر اساس توسل عینی به نیروی مسلح بین کشورها می‌داند، نه بر اساس اصطلاحات انتخاب شده توسط دولت‌های آنها (کنوانسیون‌های ژنو، ۱۹۴۹، ماده ۲ مشترک؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۲۵).

هشدار ماه اوت [دیر شورای عالی امنیت ملی ایران] حائز اهمیت است، زیرا پیامدهایی را برای دولت‌هایی مطرح می‌کند که ممکن است مشارکشان ماهیتی اقتصادی داشته باشد، نه نظامی. اعتبار حقوقی این هشدار نمی‌تواند صرفاً بر عبارت «اقدام جنگی» استوار باشد. پرسش‌های اساسی در اینجا عبارت‌اند از اینکه آیا خود اقدامات اقتصادی در زمره قواعد منشور ملل متحد در باب توسل به زور و دفاع مشروع قرار می‌گیرند یا خیر، و اینکه آیا مشارکت یک دولت ثالث می‌تواند به طور مستقل آن قواعد را محقق سازد یا نه.

۱.۱. توسل به زور، حمله مسلحانه و تجاوز

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که از تهدید به زور یا توسل به آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌های دیگر، یا هر شیوه دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایر باشد، خودداری کنند. ماده ۵۱ به حق دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع «حمله مسلحانه» می‌پردازد (سازمان ملل متحد،

^{۱۰} Act of War

^{۱۱} Formally declared war

۱۹۴۵). در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، این مفاهیم قابل جایگزینی با یکدیگر نیستند. دیوان میان شدیدترین آشکال توسل به زور - که مصداق حمله مسلحانه محسوب می‌شوند - و اقدامات قهری با شدت کمتر، تمایز قائل شده است (ICJ، ۱۹۸۶، بند ۱۹۱).

این تمایز اگرچه تأثیرگذار است، اما در رویه دولت‌ها کاملاً بی‌چون و چرا نیست. برای مثال، ایالات متحده این دیدگاه را که حقوق بین‌الملل آستانه حداقل شدتی جداگانه^{۱۲} را برای امکان استناد به دفاع مشروع در برابر توسل غیرقانونی به زور مقرر می‌دارد، رد کرده است (وزارت امور خارجه ایالات متحده، ۲۰۱۲). اختلاف نظر موجود مربوط به رابطه میان توسل غیرقانونی به زور^{۱۳} و حمله مسلحانه^{۱۴} است؛ این با موضع ایالات متحده که تحریم‌های اقتصادی عادی خود مصداق نیروی مسلح هستند، همخوانی ندارد.

«تجاوز» مفهومی مرتبط اما متمایز است. قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی، تجاوز را بر مبنای توسل یک دولت به نیروی مسلح علیه دولتی دیگر تعریف می‌کند و مواردی همچون تهاجم، بمباران، حملات نیروهای مسلح و محاصره را در زمره مصداق آن برمی‌شمارد (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). قطعنامه ۳۳۱۴ سندی غیرالزام‌آور از سوی مجمع عمومی است که با هدف کمک به شناسایی اقدامات تجاوزکارانه تدوین شده است؛ با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری بخش‌هایی از آن، از جمله بند g ماده ۳ را بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی دانسته است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۶، بند ۱۹۵). این فهرست جامع نیست، اما قطعنامه ۳۳۱۴ مبنایی برای تلقی تحریم‌های اقتصادی متعارف - که فاقد مؤلفه اقدام مسلحانه هستند - به عنوان «تجاوز» فراهم نمی‌کند. جرم تجاوز فردی، موضوع ماده ۸ مکرر اساسنامه رم [سند تاسیسی دیوان کیفری بین‌المللی]، مسئله تمایزی را در خصوص مسئولیت کیفری مطرح می‌سازد و تعیین نمی‌کند که آیا تحریم‌ها موجب فعال شدن ماده ۵۱ می‌شوند یا خیر.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی کارکرد دیگری نیز دارد. تحقق یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی به استفاده از نیروی نظامی میان دولت‌ها وابسته است، نه به اعلام رسمی جنگ یا مشروعیت توسل اولیه به زور. خصومت‌های جاری میان ایالات متحده و ایران در سال ۲۰۲۶ مصداق این وضعیت واقع‌محور هستند، در حالی که طبقه‌بندی حقوقی آن‌ها نه بر اساس توصیف‌های سیاسی از روابط، بلکه بر مبنای «ماده ۲ مشترک» (کنوانسیون‌های ژنو) تعیین می‌شود (رویترز، ۲۰۲۶؛ کنوانسیون‌های ژنو، ۱۹۴۹، ماده ۲ مشترک؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۲۵). بنابراین،

^{۱۲} Separate minimum-gravity threshold

^{۱۳} Unlawful force

^{۱۴} Armed attack

تحریم‌ها عامل ایجاد مخاصمه مسلحانه موجود نیستند. پرسش اینجاست که آیا آن‌ها مبنای حقوقی مستقلی برای توسل به زور فراهم می‌کنند یا خیر؛ به‌ویژه در قبال دولت‌هایی که صرفاً در اقدامات اقتصادی مشارکت دارند.

۲. آیا تحریم‌های اقتصادی می‌توانند مصداق توسل به زور باشند؟

تفسیر غالب از ماده ۲ (بند ۴) منشور [ملل متحد]، فشارهای اقتصادی متعارف را به عنوان «توسل به زور» تلقی نمی‌کند. عبارت به‌کاررفته در خود منشور صرفاً به «زور» اشاره دارد و نه صراحتاً به «نیروی نظامی» (یا مسلح)؛ تلاش‌ها برای تعمیم معنای این اصطلاح به حوزه‌ی اقتصادی نیز سابقه‌ای طولانی دارند. در کنفرانس سان‌فرانسیسکو، برزیل پیشنهادی ارائه کرد که بر اساس آن، ممنوعیت مذکور شامل تهدید یا توسل به اقدامات اقتصادی مغایر با اهداف سازمان ملل متحد نیز می‌شد؛ اما آن پیشنهاد به تصویب نرسید (UNCIO، ۱۹۴۵).

ردّ پیشنهاد برزیل حائز اهمیت است، اما نباید در اهمیت تفسیری آن اغراق کرد. برخی صاحب‌نظران، سوابق تدوین منشور [ملل متحد] را مؤید محدود بودن ماده ۲ (بند ۴) به نیروی نظامی دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر استدلال می‌کنند که ناکامی یک اصلاحیه، لزوماً و به‌طور قطعی دامنه‌ی شمول آن ماده را تعیین نمی‌کند. مناقشات بعدی پیرامون «اجبار اقتصادی» تأیید می‌کند که دولت‌ها همواره در خصوص گستره‌ی شمول حمایت‌های منشور [ملل متحد] اتفاق نظر نداشته‌اند (Batinga، ۲۰۲۴). با این حال، موضع حقوقی غالب همچنان میان اجبار اقتصادی و نیروی نظامی تمایز قائل می‌شود.

ساختار فصل هفتم منشور [ملل متحد] نیز این تمایز را تقویت می‌کند. ماده ۴۱ به شورای امنیت اختیار می‌دهد تا اقداماتی را اتخاذ کند که «مستلزم استفاده از نیروی نظامی نباشد» و صراحتاً قطع کامل یا جزئی روابط اقتصادی را در زمره‌ی این اقدامات قرار می‌دهد. ماده ۴۲ در صورتی که اقدامات موضوع ماده ۴۱ ناکافی باشند، به‌طور جداگانه مجوز اقدام توسط نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی را صادر می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). در چارچوب ساختار خود منشور [ملل متحد]، قطع روابط اقتصادی و اعمال زور (اقدام قهری مسلحانه) به عنوان آشکال متفاوتی از اقدام تلقی می‌شوند.

ماده ۴۱ قانونی بودن تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده را ثابت نمی‌کند. اقدامات شورای امنیت که تحت فصل هفتم اتخاذ می‌شوند، اعتبار خود را از منشور می‌گیرند، در حالی که محدودیت‌های اعمال شده توسط یک کشور واحد باید در برابر هرگونه تعهدات بین‌المللی که آن کشور را ملزم به رعایت آن می‌کند، ارزیابی شوند. ماده ۴۱ در

اینجا به دلیل محدودتری مرتبط است: این ماده شواهد زمینه‌ای قوی ارائه می‌دهد که محدودیت‌های اقتصادی معمولاً صرفاً به دلیل قهری بودن، به عنوان نیروی مسلح طبقه‌بندی نمی‌شوند.

با این وجود، حقوق بین‌الملل اعتراضات قابل توجهی به فشار اقتصادی خارج از ماده ۲(۴) ایجاد کرده است. طبق اصل عدم مداخله مندرج در اعلامیه روابط دوستانه^{۱۵} هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا سایر اقدامات برای مجبور کردن دولت دیگری به منظور به دست آوردن سرسپردگی [آن دولت] در اعمال حقوق یا مزایای حاکمیتی خود، از هر نوع استفاده کند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۰). اهمیت چنین زبانی در قاعده مداخله و اجبار اقتصادی نهفته است، نه در طبقه‌بندی مجدد فشار اقتصادی به عنوان نیروی مسلح.

تحقیقات جدیدتر، تمایز سنتی را با تمرکز بر پیامدها به جای ابزارها^{۱۶} مورد چالش قرار داده‌اند. محدودیت‌های شدید در امور مالی، تجارت، فناوری، انرژی یا دسترسی به کالاهای اساسی می‌تواند اثرات اقتصادی و بشردوستانه عمیقی ایجاد کند. یک رویکرد مبتنی بر اثرات، که تا حدودی تحت تأثیر مباحث مربوط به عملیات سایبری و سایر اشکال اجبار غیر فیزیکی [و غیر نظامی]^{۱۷} است، می‌پرسد که آیا رفتار اقتصادی فوق‌العاده مخرب باید به طور قطعی خارج از [شمول] بند ۴ ماده ۲ [منشور ملل متحد] باقی بماند (Batinga, ۲۰۲۴). چنین استدلال‌هایی مشکلات واقعی را در چارچوب موجود آشکار می‌کنند، اما هنوز روبه و نظر حقوقی کافی و منسجمی را برای ایجاد تحریم‌های اقتصادی، به عنوان توسل به زور تحت حقوق بین‌الملل فعلی ایجاد نکرده‌اند.

در مخاصمه کنونی بین ایالات متحده و ایران نیز لازم است تمایز دقیق بین تحریم‌های اقتصادی و اقدام نظامی انجام شود. محدودیت‌های مالی ایالات متحده در کنار محاصره دریایی و سایر اقدامات نظامی که برابر گزارشات در اوت ۲۰۲۶ ادامه دارد، اعمال می‌شوند (رویترز، ۲۰۲۶). محاصره مسلحانه، ممنوعیت اجباری، توقیف اعمال شده توسط قدرت نظامی یا حمله فیزیکی، سوالات حقوقی را مطرح می‌کند که مسدود کردن دارایی‌ها، ممنوعیت بانکی یا محدودیت تجاری مطرح نمی‌کند. قطعنامه ۳۳۱۴، محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر را در زمره اقداماتی قرار می‌دهد که می‌توانند مصداق تجاوز محسوب شوند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴، ماده ۳، بند «ج»؛ با این حال، مشروعیت و طبقه‌بندی هرگونه محاصره خاص در دوران معاصر، به

^{۱۵}. اشاره نویسنده به «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولتها» است که در سال ۱۹۷۰ با اجماع کشورها در

مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۶} Consequences rather than instruments

^{۱۷} Other forms of non-kinetic coercion

واقعیات حاکم بر آن و هرگونه توجیه حقوقی ارائه شده برای آن بستگی دارد. نتیجه گیری در خصوص تحریم های غیرقهرآمیز^۸ نمی تواند تعیین کننده آن مسائل جداگانه باشد.

۳. آیا تحریم ها می توانند مصداق «حمله مسلحانه» باشند؟

حق دفاع مشروع پرسش دشوارتری را پیش می کشد. در رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری (ICJ)، استناد به ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] تنها با هر نوع اقدام قهری یا حتی هرگونه توسل غیرقانونی به زور محقق نمی شود. دیوان در پرونده «فعالیت های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن»، میان «وخیم ترین اشکال» توسل به زور که مصداق حمله مسلحانه محسوب می شوند و موارد با شدت کمتر، تمایز قائل شد. دیوان همچنین حکم داد که اعزام گروه های مسلح می تواند مصداق حمله مسلحانه تلقی شود، مشروط بر آنکه مقیاس و پیامدهای اقدامات آنان چنان باشد که اگر توسط نیروهای مسلح رسمی انجام می شد، همان طبقه بندی (حمله مسلحانه) را پیدا می کرد (دیوان بین المللی دادگستری، ۱۹۸۶، بندهای ۱۹۱ و ۱۹۵).

دیوان تمایزهای دیگری نیز در خصوص کمک به گروه های مسلح قائل شد. صرف تأمین سلاح یا پشتیبانی لجستیکی از شورشیان، به خودی خود مصداق حمله مسلحانه از سوی دولت کمک کننده محسوب نمی شد، هرچند چنین حمایتی می تواند ناقض ممنوعیت های مربوط به مداخله یا توسل به زور باشد (دیوان بین المللی دادگستری، ۱۹۸۶، بند ۱۹۵). این استدلال ناظر بر کمک های مسلحانه و نظامی است و فرمول کلی ای ایجاد نمی کند که بر اساس آن بتوان هر اقدام زیان باری را صرفاً با مقایسه پیامدهای آن با پیامدهای خشونت نظامی، به حمله مسلحانه تعبیر کرد.

پرونده [اقدامات انجام شده آمریکا علیه] نیکاراگوئه [در دیوان بین المللی دادگستری] همچنین به طور جداگانه به اقدامات اقتصادی اتخاذ شده توسط ایالات متحده پرداخت. نیکاراگوئه نسبت به قطع کمک های اقتصادی، کاهش قابل توجه سهمیه شکر و اعمال تحریم تجاری معترض بود. دیوان به این نتیجه رسید که با توجه به شرایط موجود، نمی تواند اقدامات اقتصادی مورد اعتراض را مصداق نقض اصل عرفی عدم مداخله تلقی کند (دیوان بین المللی دادگستری، ۱۹۸۶، بند ۲۴۵). آن بخش از رأی دیوان، بیانگر آن نیست که اعمال فشار اقتصادی هرگز نمی تواند ناقض اصل عدم مداخله باشد؛ همچنین دیوان از آن استدلال برای تعیین اینکه آیا تحریم های اقتصادی می توانند

^۸ Non-forcible sanctions

مصادق حمله مسلحانه باشند یا خیر، استفاده نکرد. در نتیجه، پرونده نیکاراگوئه مبنایی برای تلقی آن اقدامات به عنوان حمله موضوع ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] فراهم نمی‌آورد.

آرای بعدی نیز رویکرد محتاطانه دیوان بین‌المللی دادگستری را در قبال ادعاهای مربوط به دفاع مشروع تأیید می‌کنند. در پرونده «سکوی‌های نفتی» [ایران]، ایالات متحده می‌بایست اثبات می‌کرد که حوادث منتسب به ایران در حکم «حمله مسلحانه» بوده‌اند و واکنش این کشور نیز واجد شرایط «ضرورت» و «تناسب» بوده است. دیوان در شواهد/ ادله مربوط به انتساب حوادث مهم به ایران، کاستی‌هایی یافت و به این نتیجه رسید که حملات مورد بحث، چه به صورت انفرادی و چه در مجموع، مصادق حمله مسلحانه‌ای که برای توجیه دفاع ایالات متحده لازم بود، محسوب نمی‌شوند (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۳، بندهای ۵۱، ۶۴ و ۷۲). موضوع این اختلاف شامل مین‌گذاری، حمله به شناورها و عملیات نظامی بود، نه تحریم‌های اقتصادی.

در پرونده «فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو»، اوگاندا برای توجیه اقدام نظامی خود در جمهوری دموکراتیک کنگو، به حملات «نیروهای دموکراتیک متحد» استناد کرد. دیوان شواهد کافی مبنی بر انتساب این حملات به جمهوری دموکراتیک کنگو نیافت و اعلام کرد که شرایط حقوقی و واقعیات لازم برای اعمال حق دفاع مشروع از سوی اوگاندا علیه جمهوری دموکراتیک کنگو وجود نداشته است. دیوان صراحتاً پرسش‌های گسترده‌تر پیرامون دفاع مشروع در برابر حملات در مقیاس وسیع توسط نیروهای نامنظم را بی‌پاسخ گذاشت (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵، بندهای ۱۴۶ و ۱۴۷). این رأی بر اهمیت شناسایی حمله واجد وصف حقوقی و تعیین مسئولیت آن، پیش از امکان استناد به ماده ۵۱ منشور، تأکید می‌ورزد.

تمایز شدت عمل [مورد اشاره] دیوان بین‌المللی دادگستری به طور جهانی پذیرفته نشده است. ایالات متحده معتقد است که دفاع از خود می‌تواند به طور بالقوه در برابر هرگونه استفاده غیرقانونی از زور در دسترس باشد و الزام اضافی شدت عمل را رد کرده است (وزارت امور خارجه ایالات متحده، ۲۰۱۲). با این حال، حتی در این موضع [قائل به مفهوم] گسترده‌تر، نقطه شروع همچنان استفاده از زور است. [فلذا] این استدلال را ارائه نمی‌دهد که محدودیت‌های بانکی غیر اجباری^{۱۹} مسدود کردن دارایی‌ها^{۲۰} یا تحریم‌های تجاری به دلیل پیامدهای اقتصادی شدید آنها به حملات مسلحانه تبدیل می‌شوند.

^{۱۹} Non-forcible banking restrictions

^{۲۰} Asset freezes

یک سوال نظری سخت‌تر زمانی مطرح می‌شود که محدودیت‌های اقتصادی اثرات فاجعه‌باری ایجاد می‌کنند. تحریم‌های فراگیر/ جامع‌آمی‌توانند دسترسی به امور مالی، تجارت، فناوری، دارو، غذا یا سایر کالاهای ضروری را مختل کنند و تحقیقات حقوقی این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا مفهوم منحصراً مبتنی بر ابزار از نیروی مسلح به طور کافی به چنین آسیبی رسیدگی می‌کند یا خیر. نظریه‌های مبتنی بر اثرات، یک مسیر ممکن به سوی یک قاعده متفاوت ارائه می‌دهند، اما حقوق بین‌الملل فعلی این پیشنهاد را که تحریم‌های اقتصادی بدون یک جزء مسلحانه صرفاً به دلیل شدت آنها، یک حمله مسلحانه محسوب می‌شوند، نپذیرفته است.

این نتیجه‌گیری محدودتر از [ارزیابی] حکمی است که می‌گوید تحریم‌ها قانونی هستند. یک اقدام خاص ممکن است یک تعهد معاهده‌ای را نقض کند، ممنوعیت مداخله را نقض کند، از صلاحیت مجاز تجاوز کند، تعهد بین‌المللی دیگری را نقض کند، یا شرایط حاکم بر اقدامات متقابل را برآورده نکند. این آشکال تخلف می‌تواند موجب مسئولیت دولت شود و ممکن است پاسخ‌های قانونی غیر قهری^{۲۲} را مجاز کند. آنها، بدون یک حمله مسلحانه واجد شرایط، حق مستقلی برای پاسخ به فشار اقتصادی با نیروی نظامی ایجاد نمی‌کنند. برای ادعای [تلقی] "اقدام جنگی"^{۲۳} تحریم‌های ایران، تمایز بین یک اقدام اقتصادی متخلفانه بین‌المللی و یک حمله مسلحانه همچنان محوری است.

۴. اگر تحریم‌ها غیرقانونی باشند، کدام قاعده نقض می‌شود؟

حقوق بین‌الملل هیچ قاعده واحدی ندارد که طبق آن همه تحریم‌های یکجانبه قانونی یا غیرقانونی باشند. بسیاری از موارد به خود اقدام بستگی دارد: اینکه آیا تعهدی را که به دولت هدف دارد نقض می‌کند، بر مبنای صلاحیت مجاز استوار است، به طور قهری در امور مربوط به انتخاب حاکمیت دخالت می‌کند، یا رفتاری را تشکیل می‌دهد که در غیر این صورت غیرقانونی است اما به عنوان یک اقدام متقابل توجیه می‌شود.

دعوای ایران علیه ایالات متحده اهمیت شناسایی تعهد خاص مربوطه را نشان می‌دهد. پیمان مودت ۱۹۵۵ زمانی مبنایی برای چندین ادعای ایران فراهم کرده بود. ایالات متحده در تاریخ ۳ اکتبر ۲۰۱۸ اخطار فسخ^{۲۴} [این پیمان]

^{۲۱} Comprehensive sanctions

^{۲۲} Non-forcible legal responses

^{۲۳} Act of war

^{۲۴} Notice of termination

را اعلام کرد و بر اساس ماده ۲۳ (بند ۳)، این فسخ می‌بایست یک سال بعد اجرایی می‌شد. در نتیجه، تعهدات طرفین نسبت به آینده بر اساس این معاهده در تاریخ ۳ اکتبر ۲۰۱۹ پایان یافت.

این امر به اختلافات پیرامون اقدامات پیشین پایان نداد. در سال ۲۰۱۸، دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به صدور دستور موقت الزام‌آور اقدام کرد که ایالات متحده را ملزم می‌ساخت موانع موجود بر سر راه دارو، مواد غذایی، محصولات کشاورزی و کالاهای ضروری برای ایمنی هوانوردی غیرنظامی را برطرف کند (ICJ، ۲۰۱۸). در سال ۲۰۲۱، دیوان ایرادات مقدماتی ایالات متحده را در پرونده دادخواست ایران علیه تحریم‌های مجدداً اعمال‌شده در سال ۲۰۱۸ - از جمله ایرادات مربوط به اقداماتی که تجارت با کشورهای ثالث را تحت تأثیر قرار می‌دادند - رد کرد، اما در خصوص ماهیت آن تحریم‌ها تصمیمی اتخاذ نکرد (ICJ، ۲۰۲۱). در حال حاضر، هنوز هیچ حکمی در ماهیت دعوی برای این پرونده صادر و ثبت نشده است.

حکم سال ۲۰۲۳ در پرونده «برخی دارایی‌های ایران»^{۲۵} مربوط به اختلاف متفاوتی بود. دیوان وقوع نقض مواد ۱۳، ۴، ۱، ۴ و ۱۱۰ (۱) معاهده را در رابطه با برخی شرکت‌های ایرانی و اموال آن‌ها احراز کرد، در حالی که اعلام نمود صلاحیت رسیدگی به دعاوی ایران در مورد بانک مرکزی را بر اساس چندین ماده از معاهده ندارد (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۲۳). این تصمیم، قاعده کلی مبنی بر غیرقانونی بودن تحریم‌ها علیه ایران وضع نمی‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد که اقدامات مرتبط با فشار اقتصادی، در صورت شمول تعهدات خاص، ممکن است آن تعهدات را نقض کنند.

۴.۱. عدم مداخله و اجبار اقتصادی

اصل عرفی منع مداخله، در مقایسه با این استدلال که تحریم‌ها مصداق توسل به نیروی نظامی هستند، مبنای حقوقی (دکترینال) قوی‌تری برای به چالش کشیدن اقدامات قهری اقتصادی فراهم می‌کند. دیوان در پرونده نیکاراگوئه اعلام کرد که دولت‌ها حق دارند آزادانه در مورد اموری همچون نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین تدوین سیاست خارجی خود تصمیم‌گیری کنند. مداخله زمانی غیرقانونی تلقی می‌شود که روش‌های قهری، آن انتخاب‌های مورد حمایت را هدف قرار دهند (ICJ، ۱۹۸۶، پاراگراف ۲۰۵).

فشار اقتصادی لزوماً و به‌طور خودکار واجد شرایط این معیار نیست. دیوان به‌طور جداگانه موضوع قطع کمک‌های اقتصادی ایالات متحده، کاهش سهمیه شکر نیکاراگوئه و تحریم تجاری را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که بر

^{۲۵} Certain Iranian Assets

اساس واقعیات موجود در پرونده، نمی‌تواند این اقدامات را مصداق نقض اصل عرفی عدم مداخله تلقی کند (ICJ, ۱۹۸۶، پاراگراف ۲۴۵). این مورد یافته‌ای مبتنی بر واقعیات خاص همان پرونده بود، نه حکمی دال بر اینکه اجبار اقتصادی مطلقاً و ماهیتاً نمی‌تواند مصداق مداخله‌ی ممنوع تلقی شود.

اعلامیه‌های سازمان ملل متحد، مخالفت گسترده‌تری را با رویه‌های اقتصادی قهری منعکس می‌کنند. اعلامیه ۱۹۶۵ در مورد عدم پذیرش مداخله و اعلامیه ۱۹۷۰ در مورد روابط دوستانه، اقدامات اقتصادی یا سیاسی مورد استفاده برای وادار کردن یک کشور دیگر به مطیع کردن اعمال حقوق حاکمیتی خود را محکوم می‌کنند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۶۵؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۰). این قطعنامه‌ها غیر الزام‌آور هستند. آنها ممکن است شواهدی مربوط به حقوق عرفی ارائه دهند، اما ادامه اختلاف نظر در رویه دولت‌ها مانع از آن می‌شود که آنها به عنوان یک ممنوعیت قطعی برای همه تحریم‌های یکجانبه تلقی شوند.

۴،۲. تلافی / مقابله به مثل^{۲۶} اقدامات متقابل^{۲۷} و تحریم‌های ثانویه^{۲۸}

بسیاری از اقدامات اقتصادی غیردوستانه^{۲۹} قانونی باقی می‌مانند زیرا آنها اقدام متقابل محسوب می‌شوند. یک کشور عموماً برای کاهش کمک‌های اختیاری، رد برخی روابط تجاری یا اتخاذ اقدام دیگری که هیچ تعهدی را در قبال کشور آسیب‌دیده نقض نمی‌کند، نیازی به توجیه ویژه حقوق بین‌الملل ندارد.

اقدامات متقابل متفاوت هستند. مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت^{۳۰}، خود یک معاهده نیستند، اگرچه بسیاری از مفاد آنها، حقوق بین‌الملل عرفی را تدوین یا منعکس می‌کنند. طبق مواد ۴۹ تا ۵۳، اقدامات متقابل در پاسخ به یک عمل غیرقانونی بین‌المللی قبلی انجام می‌شوند و شامل عدم اجرای موقت تعهدات در قبال کشور مسئول به منظور وادار کردن به رعایت آن هستند. این اقدامات تابع تناسب و محدودیت‌های رویه‌ای هستند و صرفاً به این دلیل که یک دولت تحریم‌های خود را به عنوان اقدامات تلافی‌جویانه توصیف می‌کند، مشروع نیستند (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

تحریم‌های ثانویه مسائل دیگری را مطرح می‌کنند زیرا به دنبال تأثیرگذاری بر رفتار فراتر از قلمرو کشور تحریم‌کننده هستند. اقداماتی که بانک‌های خارجی، شرکت‌های حمل و نقل، بیمه‌گران یا سایر شرکت‌ها را با

^{۲۶} Retorsion

^{۲۷} Countermeasures

^{۲۸} Secondary sanctions

^{۲۹} Unfriendly economic measures

^{۳۰} The ILC Articles on State Responsibility

محرومیت از بازارهای ایالات متحده تهدید می‌کند، ممکن است اختلافاتی را در مورد صلاحیت، حاکمیت، اجرا و عدم مداخله ایجاد کنند. حکم اولیه دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۱ در مورد اعتراضات تأیید کرد که دخالت تجارت با کشورهای ثالث به طور خودکار ادعاهای ایران را خارج از معاهده مودت قرار نمی‌دهد، اما دیوان حکم نداد که تحریم‌های ثانویه به عنوان یک دسته [اقدامات] غیرقانونی هستند (ICJ، ۲۰۲۱).^{۳۱}

۵. دولت‌های ثالث حامی تحریم‌های ایالات متحده

هشدار می‌دهد که متوجه کشورهای حامی کارزار اقتصادی ایالات متحده است، مسئله حقوقی متمایزی ایجاد می‌کند. وضع مستقل محدودیت‌ها علیه ایران توسط یک دولت، از نظر حقوقی با اجرای تصمیم الزام‌آور شورای امنیت، همکاری در اجرای تحریم‌های آمریکا، یا صرفاً صدور مجوز برای شرکت‌های داخلی جهت خاتمه دادن به معاملات با ایران، یکسان نیست. رفتار هر دولت باید بر اساس تعهدات الزام‌آور همان دولت ارزیابی شود.

تصمیمات تجاری بخش خصوصی نیز نیازمند دقت است. یک بانک یا شرکت کشتیرانی صرفاً به دلیل تبعیت از تحریم‌های ایالات متحده، به یکی از ارکان دولت متبوع خود تبدیل نمی‌شود. انتساب عمل به دولت، به قواعد حاکم بستگی دارد؛ از جمله اینکه آیا آن نهاد اعمال‌کننده اقتدار دولتی است یا تحت هدایت یا کنترل دولت عمل می‌کند. با این حال، حتی در مواردی که رفتار شرکت خصوصی مستقیماً قابل انتساب به دولت نباشد، ممکن است دولت به دلیل قوانین، دستورالعمل‌ها یا اقدامات اجرایی خود مسئول شناخته شود (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱، مواد ۴، ۵ و ۸).

^{۳۱}. توضیح افزوده بر متن: شایان ذکر است دیوان در سال ۲۰۱۶ (رای احراز صلاحیت خود برای رسیدگی) و سپس در رای سال ۲۰۲۱ تمایزی بین دو نوع تحریم‌ها قائل شد:

تحریم‌های اولیه: (Primary Sanctions) دیوان پذیرفت که تحریم‌هایی که مستقیماً توسط آمریکا علیه ایران وضع شده (مانند ممنوعیت صادرات نفت، خدمات مالی و بیمه‌ای)، نقض پیمان دوسویه ایران و آمریکا (پیمان ۱۹۵۵) هستند و آمریکا مسئول جبران خسارت است. تحریم‌های ثانویه: (Secondary Sanctions) دیوان پذیرفت که تحریم‌های ثانویه (که توسط آمریکا به کشورهای ثالث یا شرکت‌های خارجی تحمیل شده تا اگر با ایران تجارت کنند، مشمول تحریم آمریکا شوند) به صورت یک «دسته کلی» (in abstracto) غیرقانونی تلقی شوند.

دیوان استدلال کرد که برای تشخیص غیرقانونی بودن تحریم‌های ثانویه، باید اثر واقعی آن‌ها بر حقوق ملت ایران (حق توسعه، حق غذا، سلامت و...) در عمل ثابت شود. (یعنی بار اثبات مورد به مورد بر عهده ایران است) دیوان گفت:

...It is not for the Court to decide whether, as a matter of international law, secondary sanctions are per se unlawful

اعمال تحریم‌های هماهنگ توسط چندین دولت نیز لزوماً این مسئله را حل نمی‌کند. ماده ۵۴ از مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، وضعیت اقداماتی را که دولت‌هایی غیر از «دولت زیان‌دیده» در واکنش به نقض تعهدات حافظ منافع جمعی اتخاذ می‌کنند، عمداً مسکوت گذاشته است. این ماده به خودی خود مجوزی برای اقدامات متقابل جمعی صادر نمی‌کند؛ تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها در این زمینه را محدود و در حال تحول توصیف کرده است (ILC، ۲۰۰۱).

۵.۱. مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت در اعمال تحریم‌ها

ماده ۱۶ از مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل به مسیر متفاوتی برای تحقق مسئولیت می‌پردازد: یک دولت ممکن است به دلیل کمک یا مساعدت به دولت دیگر در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئول شناخته شود. دیوان بین‌المللی دادگستری قاعده مندرج در ماده ۱۶ را به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته است (ICJ، ۲۰۰۷، بند ۴۲۰).

چندین شرط، دامنه شمول آن را محدود می‌کند. رفتار مساعدت‌شده باید خود از نظر بین‌المللی غیرقانونی باشد و دولت کمک‌کننده باید از شرایطی که آن رفتار را غیرقانونی می‌کند، آگاه باشد. ماده ۱۶ همچنین ایجاب می‌کند که عمل اصلی در صورت ارتکاب توسط خود دولت کمک‌کننده، غیرقانونی خواهد بود. تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل اضافه می‌کند که کمک باید در واقع عمل غیرقانونی را تسهیل کند و آن را به عنوان عملی توصیف می‌کند که با هدف تسهیل آن رفتار ارائه شده است (ILC، ۲۰۲۱). نقش دقیق نیت فراتر از الزام آگاهی، همچنان مورد بحث است و نباید به عنوان امری قطعی تلقی شود.

در نتیجه، مشارکت در یک ائتلاف تحریم‌ها به خودی خود کافی نیست. یک دولت ثالث نیز می‌تواند به طور مستقل مسئولیت داشته باشد اگر مسدود کردن دارایی‌ها، محدودیت تجاری یا اقدام مالی آن، تعهدی را که برای آن الزام‌آور است، نقض کند. این نوع مسئولیت به هیچ وجه به ماده ۱۶ بستگی ندارد.

۵.۲. تحریم‌ها و مشارکت در مخاصمه مسلحانه

مسئولیت برای یک اقدام اقتصادی تعیین نمی‌کند که آیا یک دولت به یک طرف مخاصمه مسلحانه تبدیل شده است یا خیر. در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، معیار اصلی توسل به نیروی مسلح بین دولت‌ها است. تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های بانکی یا قطع روابط تجاری صرفاً به این دلیل که به یک طرف متخاصم از نظر اقتصادی کمک می‌کنند، به چنین توسلی منجر نمی‌شوند.

حتی حمایت مستقیم‌تر نیز به طور خودکار وضعیت طرف را ایجاد نمی‌کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اظهار می‌دارد که تأمین سلاح یا تجهیزات نظامی به تنهایی، یک دولت را به طرف یک مخاصمه مسلحانه تبدیل نمی‌کند. در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی موجود، یک دولت حمایت‌کننده زمانی به یک طرف تبدیل می‌شود که خود به نیروی مسلح علیه یک طرف متخاصم دیگر متوسل شود، از جمله از طریق مشارکت مؤثر در عملیات نظامی علیه آن دولت (ICRC، ۲۰۲۴).

مشارکت اقتصادی [مانند تحریم] از آستانه [تعیین‌کننده جنگ مسلحانه] فاصله دارد. یک دولت صرفاً با اتخاذ تحریم‌ها علیه ایران، به طرف مخاصمه مسلحانه ایالات متحده و ایران تبدیل نمی‌شود. همچنین مسئولیت یک اقدام اقتصادی غیرقانونی، به تنهایی، به ایران حق حمله به قلمرو، نیروهای مسلح یا زیرساخت‌های غیرنظامی آن کشور را نمی‌دهد.

۶. اقدامات قانونی احتمالی ایران در مقام پاسخ

اگر تحریمی خاص، تعهدی بین‌المللی در قبال ایران را نقض کند، ایران ممکن است بدون توسل به زور، گزینه‌هایی برای پاسخ‌دهی در اختیار داشته باشد. بسته به شرایط، این اقدامات می‌تواند شامل اعتراض دیپلماتیک، رسیدگی قضایی یا داوری (در صورت وجود صلاحیت)، اقدامات تلافی‌جویانه قانونی^{۳۲} یا اقدامات متقابلی باشد که الزامات مربوط به مسئولیت دولت را برآورده می‌کنند.

اقدامات تلافی‌جویانه مبتنی بر زور،^{۳۳} وضعیت متفاوتی دارند. ماده ۵۰ «مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل» [در مورد مسئولیت دولت‌ها] مقرر می‌دارد که اقدامات متقابل نباید بر تعهد پرهیز از تهدید یا توسل به زور - که در منشور ملل متحد آمده است - تأثیر بگذارد (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۲۱). «اعلامیه روابط دوستانه» نیز دولت‌ها را ملزم می‌کند که از اقدامات تلافی‌جویانه همراه با توسل به زور خودداری کنند؛ همچنین در پرونده نیکاراگوئه، این گزاره که رفتاری پایین‌تر از آستانه «حمله مسلحانه» بتواند توجیه‌کننده اقدامات متقابل جمعی مبتنی بر زور باشد، رد شد (مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۷۰؛ دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۶).

در نتیجه، ایران برای توسل به دفاع مشروع نظامی، نیازمند مبنایی مستقل بر اساس ماده ۵۱ منشور است. تحریمی که ناقض یک معاهده باشد، مصداق مداخله ممنوع تلقی شود یا به منزله یک عمل متخلفانه بین‌المللی دیگر باشد، صرفاً

^{۳۲} lawful retorsion

^{۳۳} Forcible reprisals

به همین دلیل به «حمله مسلحانه» تبدیل نمی‌شود. الزامات حاکم بر دفاع مشروع - از جمله وقوع حمله‌ای واجد شرایط، ضرورت و تناسب - همچنان به قوت خود باقی و متمایز هستند.

وجود مخاصمه مسلحانه بین‌المللی فعلی میان ایالات متحده و ایران، مستلزم آن است که این نتیجه‌گیری با احتیاط و به شکلی محدود بیان شود. خصومت‌های جاری ممکن است پرسش‌های دیگری را در خصوص استفاده قانونی از زور مطرح کند که ارتباطی به مناقشه مربوط به تحریم‌ها ندارند (رویترز، ۲۰۲۶). نکته‌ای که در اینجا ثابت شده تنها این است که تحریم‌های اقتصادی غیرمسلحانه [غیرخسونت‌آمیز]، صرفاً به این دلیل که به عنوان یک «عمل جنگی» توصیف می‌شوند، حق اضافی دفاع خود را تحت بند ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] ایجاد نمی‌کنند.

برای دولت‌های ثالثی که صرفاً در اقدامات اقتصادی مشارکت دارند، این تمایز آشکارتر است. مشارکت در تحریم‌ها به تنهایی آن‌ها را به طرفین مخاصمه موجود تبدیل نمی‌کند و مجوزی برای اقدام نظامی ایران علیه آن‌ها فراهم نمی‌آورد. توسل جداگانه چنین دولتی به نیروی مسلح، پرسش حقوقی متفاوتی را ایجاد خواهد کرد.

محدودیت‌های اعمال‌شده توسط ایران و تهدیدهای این کشور در خصوص کشتیرانی در تنگه هرمز نیز در چارچوب حقوقی جداگانه‌ای قرار می‌گیرند. اقداماتی که بر ناوبری تجاری تأثیر می‌گذارند، ممکن است شامل حقوق دریاهای، حقوق جنگ و در مواردی که مخاصمه مسلحانه اعمال می‌شود، حقوق بین‌الملل بشردوستانه شوند. [فلذا در آن چارچوب‌های حقوقی باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند] نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به عنوان اقدامات متقابل اقتصادی قابل تعویض^{۳۴} با تحریم‌های ایالات متحده در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

نامیدن تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران به عنوان «اقدام جنگی» در یک عبارت [مورد اشاره در ابتدای این مقاله]، اثر حقوقی عملی تحت منشور سازمان ملل متحد در بر ندارد. حقوق بین‌الملل معاصر می‌پرسد که آیا این رفتار، استفاده از زور محسوب می‌شود و طبق ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] دفاع از خود، آیا حمله مسلحانه‌ای رخ داده است یا خیر. تحریم‌های اقتصادی فاقد بکارگیری زور^{۳۵} در حال حاضر صرفاً به دلیل پیامدهای اقتصادی شدیدشان، به عنوان عبور از این آستانه‌ها شناخته نمی‌شوند.

^{۳۴} Interchangeable

^{۳۵} Non-forcible economic sanctions

این نتیجه‌گیری هیچ چیز قطعی در مورد قانونی بودن هر محدودیت ایالات متحده بیان نمی‌دارد. تحریم‌های فردی ممکن است تعهدات معاهده‌ای را نقض کنند، از صلاحیت مجاز تجاوز کنند، مداخله ممنوعه محسوب شوند یا الزامات حاکم بر اقدامات متقابل را برآورده نکنند. مشارکت دولت ثالث همچنین می‌تواند سوالات مستقلی در مورد مسئولیت ایجاد کند، به ویژه در مواردی که دولت دیگری محدودیت‌های خود را اتخاذ می‌کند یا آگاهانه به رفتاری کمک می‌کند که خود از نظر بین‌المللی غیرقانونی است.

آنچه در پی نمی‌آید، حق تلافی نظامی است. مشارکت اقتصادی به تنهایی دولت دیگری را به عنوان طرف درگیری مسلحانه ایالات متحده و ایران تبدیل نمی‌کند و یک تحریم غیرقانونی به طور خودکار به یک حمله مسلحانه تبدیل نمی‌شود [که بتوانیم در مقابل آن دفاع مشروع مسلحانه موضوع ماده ۵۱ منشور را قابل فعال سازی بدانیم]. استدلال‌های علمی برای اینکه اجبار اقتصادی به شدت مخرب را بیشتر شبیه زور [اقدام نظامی] در نظر بگیرند، همچنان قابل توجه هستند، اما [هنوز نتوانسته‌اند] تمایز مورد بحث در این نوشتار را در حقوق بین‌الملل فعلی از بین ببرند.

منابع:

Batinga, J. (2024) 'Reconciling the Global North-South Divide on the Use of Force: Economic Coercion and the Evolving Interpretation of Article 2(4)', *Wisconsin International Law Journal*, 41(2), pp. 103–143. DOI: 10.59015/wilj.RTPT8407.

Charter of the United Nations (1945) signed 26 June 1945, entered into force 24 October 1945, 1 UNTS XVI.

Geneva Conventions of 12 August 1949 (1949) Geneva Convention I, 75 UNTS 31; Geneva Convention II, 75 UNTS 85; Geneva Convention III, 75 UNTS 135; Geneva Convention IV, 75 UNTS 287.

International Committee of the Red Cross (2024) Arms transfers to parties to armed conflict: what the law says [online]. Available at: ICRC – Arms transfers to parties to armed conflict (Accessed: 24 August 2026).

International Committee of the Red Cross (2025) Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War: Commentary of 2025, Article 2 – Application of the Convention [online]. Available at: ICRC – Commentary of 2025, Article 2 (Accessed: 24 August 2026).

International Court of Justice (1986) Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, 27 June 1986, I.C.J. Reports 1986, p. 14.

International Court of Justice (2003) Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, 6 November 2003, I.C.J. Reports 2003, p. 161.

International Court of Justice (2005) Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, 19 December 2005, I.C.J. Reports 2005, p. 168.

International Court of Justice (2007) Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, 26 February 2007, I.C.J. Reports 2007, p. 43.

International Court of Justice (2018) Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018 (II), p. 623.

International Court of Justice (2021) Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, 3 February 2021, I.C.J. Reports 2021, p. 9.

International Court of Justice (2023) Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, 30 March 2023, I.C.J. Reports 2023, p. 51.

International Law Commission (2001) Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, Report of the International Law Commission on the work of its fifty-third session, UN Doc. A/56/10, Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, Part Two.

Reuters (2026a) ‘US vows “economic D-Day” as Iran threatens to halt all oil exports’, 23 August [online]. Available at: Reuters – US vows “economic D-Day” as Iran threatens to halt all oil exports (Accessed: 24 August 2026).

Reuters (2026b) ‘Iranian oil offers to Chinese buyers fall as US blockade bites, sources say’, 21 August [online]. Available at: Reuters – Iranian oil offers to Chinese buyers fall as US blockade bites (Accessed: 24 August 2026).

Reuters (2026c) ‘Hormuz Strait to remain shut until U.S. meets interim deal conditions, Iran says’, 18 August [online]. Available at: Reuters – Hormuz Strait to remain shut until U.S. meets interim deal conditions (Accessed: 24 August 2026).

Rome Statute of the International Criminal Court (1998) adopted 17 July 1998, entered into force 1 July 2002, 2187 UNTS 90, as amended by Resolution RC/Res.6, Amendments to the Rome Statute of the International Criminal Court on the Crime of Aggression, adopted 11 June 2010.

Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights between the United States of America and Iran (1955) signed at Tehran 15 August 1955, entered into force 16 June 1957, 284 UNTS 93.

United Nations Conference on International Organization (1945) Documents of the United Nations Conference on International Organization, San Francisco, 1945, vol. VI, Doc. 784, I/1/27, 5 June 1945, pp. 331–335.

United Nations General Assembly (1965) Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of Their Independence and Sovereignty, UNGA Resolution 2131 (XX), A/RES/2131(XX), 21 December 1965.

United Nations General Assembly (1970) Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, UNGA Resolution 2625 (XXV), A/RES/2625(XXV), 24 October 1970.

United Nations General Assembly (1974) Definition of Aggression, UNGA Resolution 3314 (XXIX), A/RES/3314(XXIX), 14 December 1974.

U.S. Department of State (2012) International Law in Cyberspace. Remarks by Harold Hongju Koh, Legal Adviser, USCYBERCOM Inter-Agency Legal Conference, Fort Meade, Maryland, 18 September [online]. Available at: U.S. Department of State – International Law in Cyberspace (Accessed: 24 August 2026).